

نویسنده: پاول ال اتوت « Paul L. Atwood »

منبع و تاریخ نشر: کونترپونچ 2012-5-18

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام « مل »

نیروی خارق العاده برای حاکمیت مطلقه

امپراتوری ایالات متحده امریکا و دورنمای آن

رکود بزرگ و گسترده و بحران اقتصادی مدهش از زمان کساد و تنزل وسیع همچو فاجعه ای کاترینا (طوفان و سیلابهای مدهش در لوزسینا و مسیسیفی و الاباما) ویا بریتش پترولیم (لیکاژ لوله نفتی و سر ازیرشدن شصت هزارتن بنزین در خلیج مکسیکو) یا تجاوز بر عراق و افغانستان را میتوان یک فاجعه ساخته ای دست انسانی تلقی کرد علایمی که نشاندهنده نکات بد و وخیم بوده و بیش از نشانه های ناگوار چیزی دیگری نمیتوان آنرا در ذهن تداعی کرد و از جانبی همچنان اکثریت میان که در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری معاصر زنده گی مینمایم در صفحات مقدم از حیات خویش در تحت آموزش ها و یا دوکتورین این سیستم قرار گرفته ایم که ناخودآگاه بالای این سیستم سرمایه داری با ورمند گردیده ایم و این سیستم را کارآمدترین سیستم تلقی نموده و ناخودآگاه خویشتن را گویا در بهترین وضع از زنده گی بخصوص هنگامیکه خود را صاحب زنده گی مرفه درمی یابیم و بدان متمایل ایم از اینکه همه امورات در پرتو قوانین کامل روبراه است و خود را ناگذیر میدانیم که از آن قوانین و سیستم مروج کم و بیش از آنچه که در تصور داریم اطاعت و پیروی نمایم. با وجود چشم پوشی ازین واقعیت تلخ که این سیستم خود زایده افکاریک اقلیت سودجو بوده که اراده خویش را بالای مخالفین شان با بیرحمی بیشتر اعمال مینمایند بالای کسانی که با داشتن دلایل مقنع در مخالفت قرار دارند. از سوی دیگر غیرممکن به نظر می آید که مردم عامه از حکومت و از سیستم مروج اقتصادی موجود خود را مجزا بیندارند، طوریکه وزیر داخله پیشین جان های (John Hay) در قرن نهم در این رابطه چنین یا داوری نموده بود: این حکومت مردم توسط مردم برای مدت طولانی در خدمت مردم نیست بلکه این یک دولت همچو شرکت سهامی است یعنی این دولت سهامی از زمان انقلاب امریکا توسط سهامداران و شرکا پا بعرضه وجود گذاشته دولتی که به نخبگان سرمایه مالی تعلق میگیرد و از سیاست سرمایه داری در سطح جهان پیروی مینماید و حامی این دولت سرمایه داران ارشد، بانکداران صاحبان شرکتهای بزرگ، کنگره و دیوان عالی قضا

وارتس نیرومند ایالات متحده آمریکا و مبلغین میدیایی وسیع غرب میباشد که واقعیت ها را به نفع این سیستم وارونه جلوه میدهند و از منافع اقلیت سودجو و دولت متکی به آنها حمایت و پشتیبانی مینمایند .

ما نباید عمداً از نظر فرهنگی پیدایش و تکوین سیستم سرمایه داری بی رحم ایالات متحده آمریکا را نادیده گرفته و از تاریخ ظهور آن اغماز نمایم ، و خود را در لحاف توهمات مذهبی پيچانیده از گفتن واقعیت های تاریخی طفره رویم ، بهر صورت تاریخ پیدایش سیستم سرمایه داری ایالات متحده امریکاویا مبادا و منشا این شرکت سهامی بدو اَبنام شرکتهای سهامی در پلیموت و ورجینیا پا بعرصه وجود گذاشت و آن اینکه اگر اسطوره های کودکانه را کنار گذاریم تاسیس این شرکتهای بعنوان نهاد های سودآور و به ادعای سهامداران این شرکتهای به اصطلاح جهان نو و یا نهاد های جدید در واقعیت امر سیستم غارت و چپاول اراضی مورد نیاز و دسبرد به منابع و ثروتهای مردمان بومی و نابودی دار و ندار آن مرزوبوم و به استعمار در آوردن سرزمینها آن مردمان بوده، این سهامداران و شرکتهای متجاوز با چل و نیرنگ مردمان آن سرزمین را بخرید کسب کار ارزان به برده کشانیده و از ثمره کار آنها ثروت اندوزی نموده پا را از گلم شان فراتر گسترده و به واردات برده گان از افریقا دست بکار شدند تا از نیروی آنها بیرون پرداخت مزد انباشت سرمایه را بوجود آورند پس در اینصورت بوضوح میتوان گفت : که سیستم سرمایه داری و یا تاریخ تکوین سرمایه داری در ایالات متحده آمریکا با قتل و قتل مردمان بومی و غارت دارایی های آنها و بیرون در نظر داشت احترام به مقام انسان آغاز گردیده که عملاً با اسارت و دربند کشیدن انسانهای بومی آن سرزمین آغازیده و آن به این معنا که امریکایان پیشین در واقعیت امر برده داران و حرفه ء به برده کشیدن انسانها را داشتند آنها را که اکنون ما محکوم میکنیم کسانی را که با فروش انسان ثروت اندوخته اند و امروز اسلاف آنها با غرور و تکبر از ثروتها و دارایی های شان حذ می برند و هنوز که هنوز است آن پیشه ء اخلاف خود را دنبال می نمایند .

برخی از ما بقدر کافی بخاطر داریم و آن اینکه وقتاً فوقتاً ما کمونیستها را به نسبت در تحت تسلط داشتن (جوامع برده داری) محکوم میگردیم و با سرفرازی از نداشتن جامعه برده داری بخود می بالیدیم ولی اکنون با چشم باز معتقد

برآن ایم که ما خود در اجتماع خود بیشتر برده داریم حالانکه قبلاً با پیش شرط کشید نه‌ای عوام‌فریبانه و منحرفانه از داشتن برده و برده‌داری اغماز می نمودیم و یا خود را فریب میدادیم، اکنون بی‌هراس باید اذعان کرد که ما در اجتماع خود تا هنوز که هنوز است تعداد بیشمار برده و نوکر داریم که در ظاهر بچشم ما نمی‌خورند در حالیکه آنها در مزرعه، معادن، فابریکات و در قاره‌های دور و نزدیک به حیث برده در تحت سلطه ما پنهان و مشغول بکار و باربرده‌گی انداین برده‌ها از قرن‌ها به اینطرف در تحت تعدی و تظلم چپاولگران و غارتگران خون‌اشام غربی‌های سودجو قرار دارند چیزیکه در اینجا به خاطر مغشوش ساختن اذهان عامه از طرف این غارتگران قرن بکار برده میشود اصطلاح و عبارت اشتغالات و استخدام کارمندان در دنیای نومیباشد که این خود در واقعیت امر بنام دنیای نیوکولونیالیزم یاد میشود و مفهوم آن به استعمار کشیدن افراد و سرزمین‌ها دیگران میباشد و این اصطلاح از نظر افراد واقعین همانا نفع بردن از ثروت و دارایی دیگران است مثلاً کوبا قبل از تسلط کاسترو یکی از قلمرو و یا ایالات تحت نفوذ ایالات متحده امریکا بود یعنی این امریکا بود که کیوبا را در تحت سلطه خود داشت و یا حکومتی در جنوب ویتنام، کوریای جنوبی، جمهوری دومنیکان، ایران قبل از سال 1979، فلپین، گواتیمالا، ایسلوآدور، نیکاراگوا و اکثر نقاط دیگر در سراسر جهان در تحت استعمار و سلطه ایالات متحده امریکا با پیش شرط‌های متعدد و میان‌تهی قرار داشتند و از آن بدتر اینکه چرا ایالات متحده امریکا بالای عراق و افغانستان تجاوز نمود و به اشغال این سرزمینها پرداخت، دلیل آن واضح است یعنی دسترسی به دو همین منبع انرژی در آسیای مرکزی انحصار بنزین و گاز یعنی این امریکا است که از فاصله‌های دور بمنظور کسب انرژی در تلاش تسلط بر سرزمینهای چین و روسیه خواب‌های طمع و آذمی بیند و در سرزمین افغانستان کمین‌گزیده است آنچه که ادوار بجواب پرسشی گفت: اگر محصول و فراورد اصلی در عراق کنونی بروکلی و کرم هم باشد امریکا ناگزیر در عراق خواهد بود تا این محصول را غارت نماید؟

قربانیان جنگ‌های ما در تحت عنوان و یا خط قرمز منوط به سیستم سیاسی (اورویلین) که در آن هر بخش از زنده‌گی مردم تحت اداره و کنترول همه‌جانبه دولت و حکومت قرار دارد و یا قرار می‌گیرد بصورت تصادفی با قبول خساره

و صد مات جانی ناشی از دود و غبار جنگ معزول و منفصل و به فراموشی سپرده میشوند و از جانی دولت خود در پی کسب اطمینان همه جانبه آن موضوعاتی سپرده شده اش میباشد که توسط اعمال واجبت های متعهد به خودش مرتکب بدترین و غیر انسانی ترین جنایات میگردند و اگر احیاناً اعمال دولت در برساندن همچو جنایات مواجهه به شکست گردند در انصورت است که دولت عاجلاً به اعزام نیروهای نظامی مبادرت میورزد مثلاً میتوان از راپورهای روزانه بدست آمده عملیتهای طیارات شکاری بی سرنشین ایالات متحده امریکا در سرزمینهای عراق ، افغانستان، پاکستان ، یمن و سومالیا یادآوری کرد که این طیارات بدون سرنشین که از یک مرکز مجهز با فرمان الکترونیکی رهبری میشود مرتکب وحشیتترین جنایات گردیده به قتل عام مردم ملکی و غیر نظامیان در ان سرزمینهای دور میپردازد ، ارتش و تفنگداران دریایی برای محافظت و دفاع از سواحل ما نپرداخته بلکه آنها بمنظور اعمال شنیع و قتل عام مردم به سرزمینهای دیگر فرستاده میشوند تا مردمان سرزمینهای دیگر را با زور و جبر تابع خود سازند .

ما امریکایی ها وسیعاً از حقایق تلخ و ناراحت کننده تا حد بیشتر دوری گزیده موضوعات را سهل و نادیده پنداشته خویشتن را در نا باوری ها تسجیل و حقایق را تا حد ممکن پنهان می نمایم ، نا باوریهها از آن جهت که اشخاص مسول همیشه برای ما در غ گفته و حقایق را از ما کتمان نموده اند و یا واقیعت ها را طور تحریف شده بخور ما داده اند و ازین جهت مایان به همچو در غ پراگنی ها عادتاً باور نموده ایم و یا اینکه ما امریکایی ها در د نیای خوش باوری و خیالات خو گرفته ایم ، چهره ها و افراد جدید را با خوشبینی ها برگزیده ایم و یا بر میگزینیم و خویشتن را از دنیای عقب مانده با نادیده گرفتن حقایق نجات داده و یا از موضوعات و حقایق چند اغما زمی نمایم و برای خویش یک دنیایی کاملاً تمدن و پیشرفته و مستمر را رقم میزنیم د نیایی که به زعم بعضی از انسان ها دنیایی عیش و نوش که برای ایجاد همچو دنیا لازم پنداشته میشود تا از نفوس انسانها باکشت و کشتار کاسته شود آنچه که ما به آن ارزش قایلیم و آن را (راه زنده گی) امریکایی می پنداریم همانا تخریب محیط زیست و منابع طبعی است که د نیای معاصر ما امریکایی ها را در این مورد مقصر میدانند که چندان دور از واقیعت نیست و همچو تخریبات تا حد ممکن از نظر مردم پنهان نیست .

لذا هر نوع علاقه و دلچسپی به همچو سیستم در واقعیت امر نوع از افراط گرایی میتواند تلقی شود و از جانبی بیساری با این باور اند که این همه چون و چراها از بالا شاید در ژن های ما در سپیده دم بشریت کد گذاری (علامت گذاری) شده باشد و از اذل چنین هدایت تفویض شده باشد که از نظر زمان میان هر یک به اجرای همچو اعمال و اطوار ناگذیری داشته و یا از اجرای همچو عملکردها اجتناب نا پذیر میباشیم یعنی مجبوریت ما از نظر قید زمان میباشد که به اجرای همچو اعمال مبادرت می ورزیم .

آنطوریکه در تمام مذاهب بنیادگرایی ایجاد مجموعه ای از اسطوره ها بغرض رفتن به جنگ وجدال از نظر آنها ضروری پنداشته میشود در واقعیت امر مرکز همچو جنگها بر باطل متکی میباشد و آن اینکه آنها چنین می پندارند که ما برای محافظت و دفاع از ارزشهای متعالی و اصولی و راه و رسم بهتر زنده گی به جنگ میرویم و برای دیگران در بدل پول نمی جنگیم و یا تصمیم نداریم که منابع و ثروت دیگران را به تصرف خود در آوریم و یا در صدد کسب لیبس روم (مواد اولیه را از جا های دیگر به تصرف آوردن) باشیم و یا مانع آزادی و خود مختاری و سرگرمی های دیگران شویم ، اینها تمام آن دلایل خود پرداخته اند که برای آغاز جنگ بهانه تراشی میگردد که هیچ یک از همچو دلایل ریشه علمی و اصولی ندارد.

عموم دشمنان بی فرهنگ در امریکا همواره همه امریکاییان را در سراسر جهان بعنوان متجاوز و جنگ طلب معرفی مینمایند در حالیکه قاطبه مردم امریکا ذاتاً صلح جو و از جنگ نفرت دارند تنها و تنها آنهایکه شمشیر از نیام کشیده اند و در طلب جنگ و سوداند ضد مردم امریکا بوده و هیچ بدیل دیگری را به جز از جنگ و تجاوز نمی پذیرند آنها هر چیزی ناروا و نا پسند را در زیر نام دفاع از امنیت ملی بکار می بندند و با سرنوشت قاطبه مردم امریکا بازی ابلهانه میکنند و عمداً داغ ننگ و رسوایی را بر جبین مردم صلح پسند امریکا میزنند. فکر میکنم از بمب گذاریهای هیروشیما و ناکاساکی میگویند یا از بمب گذاریهای فرشی در ویتنام جنوبی و یا تخریب اخیر فلوجه عراق که در آن فاسفورس سفید یعنی ماده کیمیای را بکار بردند که از نظر قوانین بین المللی منع قرار داده شده است و یا اینکه اورانیوم رقیق شده را بالای مردم استعمال نمودند که باعث طاعون و سرطان مردمان غیر نظامی گردید که این همه فعالیتها و شرارتهای توسط

دشمنان ایالات متحده امریکا و بشریت صورت میگیرد و ادعای ما به ارتباط این شرربیشه گان کاملاً درست بوده که چهره های منحوس این دشمنان بشریت برای همه مردم دنیا برملا و اظهر من الشمس است .

در تاریخ امریکا جنگ هیچ وخت یک جنگ نبوده ویا اینکه یک جنگ انتخاب شده به پایان خود نرسیده که عزم جنگ دیگری روبراه نشده باشد ، سوال در اینجاست که ما چرا به جنگ علیه مردمان دیگر میرویم درحالیکه کشور ما مورد تهدید و تجاوز هیچ یک از کشورها نیست ویا اصلاً هیچ کشور دیگری قادر نیست تا بالای ما تجاوز نماید ویا کشور ما را تخریب نماید وکسانیکه قبل از ما مبنی به ناتوانی ما دروغ میگفتند و آتش جنگ را شعله ور میساختند آنهایی اند که از نظر فرهنگی راه و رسم زنده گی امریکایی ها را جنگ و جدال به تعریف گرفته اند جنگ و جدال که بصورت (اثثنایی) به حیث یک خصیصه امریکایی مورد ستایش قرار گرفته و به بهانه دفاع از امنیت ملی و احترام به ارزش های والای انسان جنگ را ضروری و عادلانه توصیف نموده اند و با این طریق جنگ را به حیث یک الگو برای بشریت تفسیر نموده اند درحالیکه حقیقت برهنه و انکار ناپذیر در پوسته استعمار نو نهفته است و این راه و روش استعمار نو است که استعمارگران تحت نام جنگ های عادلانه و ضروری به غارت ثروت و دارایی های مردمان سرزمین های دیگر می پردازند .

این امر یعنی خشونت های مسلحانه یا راه امریکایی ها به جنگ هنگامی بیشتر گسترش یافت که ایالات متحده امریکا در سال (1945) هژمونی سیستم سرمایه داری غرب را به تصرف خویش درآورد و بصورت اشکار و پنهان علیه کشورها به خشونت های مسلحانه و جنگ روانی در سراسر جهان دست یازید و دامنه جنگ و خصومت را در تحت بهانه های مختلف وسعت بخشید و بغرض نیل به اهداف و تقویه امپراطوری به اصطلاح روم جدید امریکایی ما به اعمار جاده ها و ساختمانها پرداخت و خواست تا هژمونی دنیای معاصر را ازین طریق بدست گیرد .

باید یاد اور شد که درین جنگ های بی حد و حصر، مداخلات اشکار و پنهان ، عملیات های مخفیانه ، ترور و غیره از زمان پایان جنگ جهانی دوم این ایالات متحده امریکا است که در نقاط مختلف جهان میلیونها انسانها را در تحت نام پیشرفت و انکشاف و آزادی و دموکراسی و حقوق بشر سربه نیست کرد و هنوز

که هنوز است به همچو اعمال شنیع اش دوام میدهد.

این امپراطوری ایالات متحده امریکا است که اکثریت امریکایی ها تا هنوز این امر را نه پذیرفته اند که امپراطوری امریکا دنباله امپراطوری بریتانیا است و یا در آغازین یک پاسگاه بریتانیا بوده باشد و آن اینکه امروز این ایالات متحده امریکا است که در سراسر جهان نسبت به هر ملیت دیگر مواضع بیشتر را در تصرف دارد و قابل یاد اوری است که هدف امریکا در جنگ جهانی دوم این بود تا به تسلط بریتانیا در جهان نقطه پایان گذارد و انگلستان را از شکوه و جلال و از جایگاه شامخ اش پایین آورد یعنی آنچنان بازی را پیش برد آنطوریکه انگلستان در قبال روم و آتن در عصر خود بازی نموده بود. امروز نیروهای نظامی امریکا از جمله (192) ملل شامل احصایه ملل متحد و سرزمینها در (170) سرزمینها حضور دارد، کشتی های جنگی طیارات و ستالایتها ایالات متحده امریکا در هر کنج و کنار سیاره ما جا بجا و آماده هر نوع عملیاتها و هجوم میباشد که به همگان معلوم و هویدا است.

دسترسی و توصل امپراطوری ایالات متحده امریکا به ستر اتوسفیر، یونوسفیر و فضای بیرونی با کیفیت خارق العاده و با توان قابل ملاحظه فراتر از هر چیزی که تا به حال بروی سیاره زمین دیده میشود برای این امپراتوری میسر است و یا بدسترس اش قرار دارد.

تعریف و توضیح امپراطوری در یک جمله یعنی که طرز زنده گی یک ملت در نوه و هسته هر چه گسترده تر دیگران یعنی زنده گی بوضوحی از لحاظ توزیع ثروت و منابع ولی توزیع ناقص و غیر عادلانه در داخل کشور و سوق ورهبری اکثر جاده ها و راهها در داخل ایالات متحده امریکا نشانی از بحران و طوفان کاملاً عیار قابل وقوع بوده میتواند بویژه که ادغام از کلیه نیروها در هر مقطع زمانی امکان با هم خوردن و برهم خوردن پروژه این امپراطوری را قابل پیشبینی و وقوع محتمل میداند و آن اینکه این امپراطوری حریص اخر الامر تمدن بشریت را نه تنها که به مخاطره مواجه خواهد ساخت بلکه در سراسر جهان فاجعه را بار خواهد آورد.

امپراطوری و امپراطوری جدید امروزی ایالات متحده امریکا همیشه بر بنیاد نیروی نظامی اش استوار و متکی بوده و بر بنیاد همین وابستگی است که توجه اش را به تکنالوژی هر چه گسترده تر و پیشرفته تر جنگ معطوف نموده و از آن

نفع بیشتری را تصاحب نموده و یا مینماید بخصوص بعد از گذشت و یا تدویر قرن نوزدهم هنگامی سرمایه داری مدرن زمینه انقلاب صنعتی را تسریع می بخشید وضع اقتصادی و نظامی رونق بیشتری می یابد ، ضرورت آن دیده میشود که به انرژی و مواد مورد نیاز بیشتر دسترسی حاصل گردد ، و از جانبی از این نباید چشم پوشی گردد که هر دو جنگ جهانی امپریالیستی در واقعیت امر بخاطر کنترل و دسترسی بر منابع نفتی و انرژی بوقوع پیوست ، زیرا قبل از جنگ جهانی یعنی تا سال (1945) ایالات متحده امریکا از نظر داشتن انرژی بخود متکی بود یعنی خود کفا بود ولی هنگامیکه برای بکار انداختن ماشین جنگی خود تصمیم گرفت در آن صورت برای بدست آوردن انرژی بیشتر احساس ضرورت نمود و برخلاف کسانی که در بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی بخاطر حفظ و صرف مواد نفتی و انرژی عذاب میکشیدند ایالات متحده امریکا برای گردش چرخ ماشین جنگی اش وابسته به نفت و انرژی کشورهای بیگانه گردید ، چنانچه بعد از آن گرداننده گان چرخ ماشین جنگی ایالات متحده امریکا به نیروی عظیم منهدم کننده قوای مسلح امریکا هدایت میدهند که در کشورهای دارای منابع نفت و انرژی بخاطر حفظ منابع نفت و انرژی مستقر گردند در وهله اول ایالات متحده امریکا چنین تصمیم گرفت تا از کشورهای که صاحب منابع نفت و انرژی اند مطالبه نماید که انرژی مورد نیاز اش را فراهم سازد و به این منظور آماده بر آن شد که از این منابع حفاظت و نگهداری نماید روی این منظور ستراتیژیست های جنگی ایالات متحده امریکا بر آن شدند تا به نیروهای دریایی و هوایی خویش هدایت دهند که تمام راه های مواصلاتی و خطوط حمل و نقل طلای سیاه و سفید و مواد سوخت و انرژی را از منابع آن در کشورهای دیگر تا مواصلت مواد مذکور به جزو تمام های قبلاً تعیین شده شان در تحت کنترل خود در آورند تا همه مواد مورد نیاز را بخاطر بلند بردن ستاندارد زنده گی امریکایی ها در دسترس داشته باشند و از دیگر ملیتها و انسانان سیاره خاکی یک سر و گردن بلند باشند .

راه زنده گی ملتهب و متورم ما امریکاییها بیدون نفت و دیگر هایدروکاربنها غیر محتمل . یا غیر قابل تصور است و در عین حال اتکا ءدایمی و مطلق به مواد مذکور آهسته آهسته به آرامی خفه کننده و بطور مسلم مسموم کننده به نظر می آید و ان اینکه این سیستم فعلی در آینده های نه چندان دور زمانیکه ذخایر نفت

به پایان اش نزدیک شود و قیمت ها طور سرسام اور افزایش یابد دچار ورشکستی و سراسیمگی خواهد گردید.

به ارتباط اخرین اوج و فراوانی تولید نفت ایالات متحده امریکا ، جیولوژیست یا زمین شناسی بنام هوبرت راجع به مدت زمان اوج و فراوانی و اختتام ذخایر نفت ایالات متحده امریکا تا سال (1973) نگرانی اش را اظهار نموده بود که پیش بینی نامبرده کاملاً درست بود یعنی او پیشبینی نموده بود که بعد از سال (1973) در تولید نفت امریکا کاهش بعمل می آید ، و از همین رو از سال (1959) به بعد ایالات متحده امریکا نصف از مواد نفتی اش را صرف نمود و نصف دیگر آن را میخواد تا (50) سال آینده بمصرف رساند و این خود بیرون شک و تردید قبل از آنکه بین انرژی (Heat) و غذا یکی از آن را بپذیرد و یا برگزیند تصمیمی که درین زمینه میگیرد برایش بمراتب گرانتر و قیمت تمام خواهد شد . این جیولوژیست همچنان به ارتباط اوج تولید و اختتام ذخایر نفت سراسر دنیا نیز پیشبینی نموده است که این ذخایر همین اکنون روبه کاهش بوده که تحلیل اورا اکثر کارشناسان نفت درست دانسته موافقت خود را به پیش گویهای او ابراز نموده اند .

امریکا همواره بخاطر حل و فصل پرابلم ها و مشکلات اش بر ابتکارات و تکنالوژی معاصر اتکا نموده و یا مینماید ولی درین مورد یعنی به ارتباط بدله های انرژی که به احتمال قوی در آینده های نه چندان دور ، هیدروجن ، سوخت های زیستی ، انرژی خورشیدی و یا فزیون سرد ممکن جاگزین انرژی نفت و گاز طبعی شود ، نگرانی امریکایی ها را بخود جلب نموده است و آن اینکه همین اکنون ایالات متحده امریکا انرژی مورد نیاز خود را از منابع زغال سنگ عربستان سعودی بدست می آورد ولی اگر از بدست آوردن همچو انرژی صرف نظر نماید و از بدله ها و از جاگزینی های انرژی جدید استفاده بعمل آورد باید از سوخت مواد انرژی جدید که خسارات جانبی را نیز با خود دارد همچو خسارات را نیز باید بپذیرد برخی کارشناسان انرژی مثل جمیز لالاک استدلال مینماید که انرژی هسته ای میتواند جلو هر نوع پروفاشی ناشی از کمبود انرژی را طور کل بگیرد ولی مخالفین این نظریه و استدلال برانند که خسارات ناشی از انرژی هستوی بعضاً فاجعه بار میباشد مثل فاجعه اتمی بهار گذشته در جاپان .

قابل تذکر است که تشدید رقابت برای دسترسی به ذخایر انرژی فسیلی بطور اجتناب ناپذیر به افزایش درگیریهای مسلحانه منتج میگردد و ارتش بهیچوجه بیدن دسترسی به انرژی موردنیاز نمی تواند به مبارزه اش دوام دهد از خود و از دسترسی به انرژی مورد نیاز حراست و نگهداری نماید در نتیجه از دست دادن منابع مستمر انرژی مشکلات عاید تشدید خواهد شد و این مشکل وارده و عاید بصورت قطع با درگیری و جنگ حل و فصل نخواهد شد چنانچه شاهد این ادعای ما این واقیعت تلخ است که نیروهای امریکایی و ناتو همین اکنون در افغانستان روزانه به یک میلیون گن تیل سوخت ضرورت دارند .

آزاد شدن کاربن و دیگر محصولات فضله از سوخت ذغال ، تیل و گاز خود باعث تغییرات اقیانوس ها و سیستم جوی کره و سیاره ما گردیده و در ضمن محصولات صنعتی به نوبه خود مناظر طبیعی و وضع زنده گی بشر را در شهرها و روستاها که مملو از دود و غبار میباشد لطمه زده و شرایط نورمال زنده گی را متاثر میسازد که در نتیجه یک سلسله تغییرات نامطلوب و فاجعه بار را در آب و هوا بار آورده و قرار فرموده دانشمندان هنگامیکه آب و هوا الوده و ملوث گردید منجر به تشدید مشکلات اجتماعی اعم از خشکسالی ، سرازیر شدن سیلابها ، قحطی ، افزایش انواع بیماریها و مهاجرت های کتلوی جمیعت ها میگردد که تمامی این تغییرات و دگرگونیها بالاخره سبب تشدید خشونتها و مخالفتهای نظامی در سراسر این سیاره خاکی گردیده تا جاییکه یک تغییر عظیم در سطح آگاهی انسانها بوجود می آید که این خود در تعهدات و صداقت انسانها از نظر اجتماعی صد مات جبران ناپذیر را بار می آورد .

بهر صورت میتوان یاد دهانی کرد که در اینجا بسا صداهای غیبی و یا نبوی (cassandra) بگوش میرسد ولی واقیعت موثق پیش روی ما اینست که آیا برای ملاحظه همچو واقیعت موثق و اقدامی که باید در قبال آن صورت گیرد خیلی ناوخت و دیر نشده است؟ .

قابل یادآوری است که رییس جمهور اواما از آن سبب بحیث رییس جمهور ایالات متحده امریکا برگزیده شد که او در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری وعده سپرده بود که بمجرد انتخاب اش به حیث رییس جمهور ایالات متحده امریکا و گرفتن زمام امور قبل از همه در وهله نخست به جنگ عراق نقطه

پایانی خواهد گذاشت یعنی جنگ را در عراق خاتمه خواهد داد در این صورت او هرکس را مبنی بر کشیدن نیروهای نظامی از عراق گول زد ولی بوعده اش وفا نکرد و نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا را از عراق کاملاً اخراج نه نمود بلکه گروپ های پیما نکاران رامانند بلیک واتر (Blackwater) و (Xe) و گروه های بیشتر دیگر یعنی آنها یکه به شدت عملیاتها را سروصورت میدهند و یانیروهای ویژه هرچه سریعتر نظامی که آنها قبلاً نسبت به داشتن مهارت های خاص شان استخدام شده بودند همه و همه در عراق باقی ماندند ، قابل یادآوری است که هزینه و مصارف و حقوق این نیروهای باقی مانده در عراق نسبت به حقوق و مصارف سربازان عادی ایالات متحده آمریکا بمراتب بیشتر است ، وجه دگر باقی ماندن این گروه ها در عراق همانا تعقیب پالیسی نو استعماری آمریکا بغرض تسلط بر منابع طبیعی میباشد که برای همه دانشمندان هویدا و مبرهن است .

ما چون به ارتباط امپراطوری آمریکا صحبت می نمایم و به تفصیل مضمون این امپراطوری را به یک سخن ارزیابی مینمایم و برآنیم که زعمای ایالات متحده آمریکا در طول تاریخ سیاست نو استعماری خود را بغرض تسلط بر منابع طبیعی نسبت به هر چیزی دیگر ارجحیت میدهند ، با در نظر داشت همین پالیسی یکی از اولین اقداماتی انجام شده توسط دولت بوش ، تعیین ریچارد چینی برای ایجاد سیاست ملی انرژی گروه توسعه آمریکا به رهبری سخنگوی ارشد صنعت نفت بود که به پرونده خویش هیچ دسترسی نیافت و یا روی موضوع متذکره به بحث نه پرداختند اما اقدامات چندی که در مورد صورت گرفت نشان دهنده آن میباشد که مدیران ارشد انرژی این توان و هوشمندی را دارند که سیاست شان را در اوج بیزنس و تجارت نفت و انرژی طرح ریزی مینمایند و از آن همیشه باخبر میباشند که در قبال آن چه اقداماتی را سروصورت دهند . در اینجا صحبت از محیط زیست قطعاً در میان نیست و هیچ برنامه دیگر به جز از دسترسی به انرژی و نفت بملاحظه نمیرسد و یا هیچ تعهدی در ارتباط با جامعه بین المللی و حل معضلات از طریق راه و روش مسالمت امیز اصلاً در اجندای این مدیران ارشد که در پی دسترسی به انرژی و نفت اند نمیباشد . نه هرگز نه ! سیاست و پالیسی مشخص و آشکار ایالات متحده آمریکا تجاوز بالای کشورهای دیگر و غضب منابع انرژی و یا

انتقال و حمل و نقل انرژی غضب شده به مراجع مربوطه امریکا میباشد که از قبل پلان آن طرح و تدوین شده میباشد روی این منظور صحبت های فصیح و بلیغ ریس جمهور اوبا ما بمنظور تحقق همین پلان های قبلاً طرح شده میباشد نه طرح ویا پلان B (پلان B یعنی طرح و تدوین ستراتیژی دومی که استراتیژی اولی جامه تحقق نه یابد) .

ایالات متحده امریکا و ناتو هر دو جنگ داخلی را در لیبیا دامن زدند و با پیروی از شعله ور ساختن جنگ داخلی مخالفین معمر قذافی مخلوع و مغفور را از هر نگاه حمایت و معاونت و تجهیز نمودند ، سازمان ملل متحد در توافق و همکاری با ریس جمهور اوباما مجوز منطقه منع پرواز را در لیبیا به تصویب رسانید که این خود نوع از تکیک پذیرفته شده و مطلوب کارشناسان و ماهران جنگ طلب ایالات متحده امریکا میباشد که در پهلوی مخالفین خود افراد غیر نظامی را نیز قتل عام سازند و برتری نظامی خود را نشان دهند ، بمبارد مان شهرها و محلات مزدحم لیبیا در طول هفت ماه چنان فاجعه ای را به بار آورد که از اثر آن هزارها انسان بیگناه لیبیایی زنده گی خود را از دست دادند و اکثریت شهرها و ایالات لیبیا به مخروبه مبدل شد و آنها صرف برای آنکه بنزین و انرژی لیبیا به تصرف سرمایه داران بی رحم غربی درآید .

همگی بخاطر دارند که ایالات متحده امریکا از طریق میدیا قبل از مداخله به لیبیا به جهانیان اعلام نمود که نیروی های خاص و سازمان اطلاعاتی امریکا میخواهد در شرق لیبیا به عملیات زمینی بپردازد و از جانبی انستیتوت و موسسه تحلیل و تجزیه ای اطلاعاتی تحت نام (stratfore) نقشه ای به ارتباط محلات و امتیازات نفتی خارجی لیبی به نشر سپرد و در آن وانمود ساخت که قسمت بیشتر و یا بخش عمده منابع نفت در شرق لیبی جابجا میباشد که اکنون از تصرف معمر القذافی برآمده و به تصرف کانگلو میراتهای (شرکتی که حاوی شاخه ها و شعبات متعدد و بیزنس های متعدد و شرکا و وسیع باشد) غربی درآمده است .

درین زمینه در کار و لینا جنوبی سناتور لیندسی گراهم (Lindsay Graham) بشکل برهنه و آشکار چنین گفت: "بیایند به این موضوع سر درآوریم که میتوان درس زمین لیبیا مقادیر و مبالغ زیاد پول و ثروت را از آن خود کنیم ویا میتوان مقادیر زیاد نفت و انرژی را ازین سرزمین نفت خیز استحصال و استخراج نمایم اما بیایید که درین سرزمین مردمان آنرا در تاسیس د موکراسی کمک نمایم

وبگذاریم که ایشان خود اقتصاد شان را بر اصول نورم های بازار آزاد رونق دهند " ولی با تاسف باید اذعان کرد که این ایالات متحده امریکا است که به بهانه ای "کمک های انساندوستانه " در بین مردم به نفاق و دشمنی دامن میزند یعنی کسیکه دعوی انساندوستی میکند ولی ضد انسان و انسانیت عمل میکند روی این اصل سرد مداران ایالات متحده امریکا ضرورت مداخلات را در بحرین و یمن نیز لازم دیدند و در اجندای کاری خود این پروگرام و برنامه را نیز جا دادند و دولت سرکوبگر عربستان سعودی را واداشتند تا در مقابل تظاهر کننده گان یعنی مردم مانیکه به مقابل حکومت های مستبد خود به تظاهر برخاسته بودند طور اشکار هجوم ببرد و هزاران انسان بیگناه را بخاطر خوشی ایالات متحده امریکا در منطقه سر به نیست کند.

ریس جمهور او باما از آن جهت توسط مردم ایالات متحده امریکا به اریکه قدرت نایل آمد که او در مبارزات انتخاباتی خود تعهد سپرده بود که هرگاه بمقام ریاست جمهوری امریکا برسد به جنگ عراق نقطه ای پایانی میگذارد ولی در پایان جنگ عراق در سخنرانی اخیر خود اعلام کرد که هدف اصلی او از همچو جنگ ها خلع سلاح تروریستها بوده چنانچه همچو ادعای کاذب و نادرست از طرف سلف او نیز صورت گرفته بود او بایک روایت صحبت های فریبنده بوش را مورد تایید و تصویب قرارداد یعنی او را براءت داد به یاد داشته باشید که او باما همواره در اردوگاه از ان بخش از نخبگان که از جمله ضربه را بعنوان یک نظم خیلی خاص بین المللی می پذیرند و یا به آن معتقد اند طرفداری می نماید که این خود موضع امریکا و برنامه های کلی آنرا در جهان تضعیف نموده است ، شما میتوانید تکس سخنرانی های او باما را بعنوان یک سناتور قبل از نامزادی اش به ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا ملاحظه نماید او از اجندای واقعی امریکا برای حفظ سهم مصرف شیر از منابع حیاتی جهانی که توسط تکتیک بوش گاوچران به خطر انداخته شده بود و در جنگ وجدال با مردم درگیر بود و آسیب و لطمه ای که به روسیه و چین به بار آورد نه تنها که مایه نگرانی او را فراهم نمود بلکه برایش احساس ترس را نیز به بار آورد. قابل تذکر است وان اینکه از اعمال او یعنی از عملکرد او باما به حیث ریس جمهور ایالات متحده امریکا چنین بر می آید که او اخلاقاً مخالف بمب گذاری بالای مردم ملکی برهنه پا و قتل عام

آنها میباشد انهاییکه برای کار و بار شان شادی و خر را به صفت حمال و وسیله حمل و نقل بکار می برند. **اوباما** با وجود تداوم وظیفه اش تا هنوز در صحبتها یش از آن اخلاقیات در دست داشته اش استفاده می نماید خودآگاه و ناخود آگاه آن کرکترش را بکار می بندد او یاد اوری می نماید که با ازبین رفتن هرسر باز امریکایی خواب از چشمانش می رود پس میتوان گفت که اوباما در بهترین حالات از مزاج وزنده گی اش در واقعیت بحیث یک اسیر دولت مخفی در عقب صحنه بمشاهده میرسد ، اگر شما از قصه های نا گفته ای کول فلچر بشنوید که تا حال نه شنیده اید در حیرت فرو خواهید رفت ، او شهادت میدهد که قبل از انتخاب و ایجاد کمیته انتخابی مجلس سنای ایالات متحده امریکا در رعایت و احترام به فعالیت های سرویس اطلاعاتی مطالعه و وارزیابی عملیاتی دولت وقتاً فوقتاً از طرف کارشناسان صورت میگرفت و در غیر آن طوریکه میدانیم کمیته ای کلیسا در مدت زمان وسط سال 1970 انطوریکه در میان دیگر بخشها هویدا و اشکار بود با گروه قتل و ترور سازمان سیاه و با مافیا در ارتباط باهمی بود او یعنی **پروتی** در عقب صحنه ذهناً با حفظ توضیحات اش با دولت های مخفی در ارتباط بود او یعنی **پروتی** که یک افسر نظامی بود در مدت زمان کار و وظیفه ای حرفوی اش بخصوص در یک برسه بخش اخری وظیفه اش در کمیته ای اطلاعاتی ایفای وظیفه مینمود بعداً درستاد مشترک ارتش امریکا احراز وظیفه نمود که با مامورین آژانس اطلاعاتی دفاع و سازمان سیاه در ارتباط قرار گرفت و بعداً او چنان یادآوری مینماید که سازمان سیاه و کارکنان آن از روز پیدایش اش یعنی از سال "1947" تا حال از طرف رهبران وال ستریت گماریده میشوند **پروتی** شخص صاحب کمال و حرفه قصه و رویداد را بشکل کامل و درست آن یاددهانی مینماید و این قصه ها را در کتاب تدوین شده اش که به تیم سازمان راز مخفی شماره ششم میسپارد تمام رویداد ها را در آن کتاب تذکر میدهد. و درین اواخر این کتاب از چاپ دوم برآمده و در کتاب فروشی ها قابل دریافت میباشد ، با خواندن این کتاب درمی یابم که دولت ایالات متحده امریکا چه نوع سیاست خارجی را دنبال مینماید و این سیاست از طرف کی ها و چرا دیکته و تعقیب میگردد انطوریکه **پروتی** نشان میدهد: سرویس اطلاعاتی ، نیروهای نظامی پنتاگون و شبکه ای امنیت ملی (National security) در واقعیت امر نهاد مرکب و باهم پیوسته اند که

مسائل مالی و مجتمع صنعت نظامی و ارتباط جمعی وسیع را رهبری و تمام برنامه آن را در دست دارند یعنی که پالسی و سیاست خارجی دولت را نیز همین کمیته تعیین می نمایند ..

پروتی تاکید و تایید مینماید که دولت مخفی ایالات متحده امریکا در عقب صحنه ترکیبی از کسانی اند که خلاف توقع قاطبه مردم امریکا مصروف جعل و دسیسه و توطئه اند درین دولت مخفی البته که گروه اندک روشنفکران یا کمیته ای سه جانبه یا سران بیلدبرگ (گروهایی سران و نخبگان سرمایه داری میباشند که سال یک مرتبه باهم در یک گوشه از جهان به ارتباط مسایل داغ بین المللی بصورت مخفیانه دید و بازدید می نمایند و طی کنفرانسی معین به ارتباط اوضاع جهان تصمیم میگیرند . از مترجم) یا شورای روابط خارجی در مسایل روابط بین المللی سهم ندارند ، بلکه در عوض شامل این دولت مخفی هریک از جناحان اعم از گروه و اجتماع سران مالی ، نظامی ، مجتمع صنعتی نظامی ، آژانس اطلاعاتی ، کنگره و رسانه های خاص زی منافع اند که همه این جناحان در صد حفظ و نگهداشت منافع شان در حال و آینده میباشند .

و هرکسیکه بخواهد شامل این دولت مخفی شود در آن صورت سوانح و بیوگرافی اش از طرف یک کمیته خاص بررسی میگردد و بملاحظه ریس این دولت مخفی گذاشته میشود، مشمولین این دولت و حکومت مخفی و دسیسه ساز در بین خود به ارتباط و روابط کار بسیار نزدیک و در فضای بسیار باهمی و سنجیتک فعالیت مینمایند ولی بعضاً به ارتباط تسلط بر بازار و منابع انرژی و منافع خاص و استمرار دالر به حیث پول مروج تجارت جهانی اختلافات و کشیده گی های مقطعی و طولانی و شدید بین شان بملاحظه میرسد . مثال روشن آنرا میتوان در جنگ (عراق و افغانستان و پاکستان ، ایران ، سومالی ، یمن ، میبیا و ونزویلا که در اساس جنگ های باهم مشابه اند) ملاحظه کرد . روی این منظور بیمورد نخواهد بود که گفته شود و آن اینکه اکثریت مشمولین این دولت مخفی با بعضی تفاوت های محدود و جزئی حمایت عام تام شان را از همچو جنگها که در فوق از آن یاد اوری شد ابراز میدارند . بعنوان مثال در فاش و اشکار سازی اخیر چنانچه همه گی از آن باخبر اند بانک ریزرف که یک بانک مهم فدرال میباشد در حدود چهار میلیارد دالر را بچاپ رسانید و در سال (2003) آن دالر های چاپ شده را به عراق ارسال نمود که به سرعت ناپدید

شد ازین اقدام چنین برمی آید که بانکداران ارشد این کشور بخشی بزرگ از توطیه گران ودسیسه سازانی اند که در عقب صحنه به همچو فعالیت‌های ناجایز مصروف اند و اینها آن نخبگان مالی اند که با وجود عدم سهمگیری عراق در رویداد 11/9 باز هم پلان تجاوز بالای عراق را تدوین و طرح نمودند، ازجانبی دیگر به ادعای آقای بوش دولت مخفی ایالات متحده امریکا را میتوان همچو مرکز اصاب به حیث هسته مرکزی وبانک فدرال را به صفت یک بانک مقتدر ایالات متحده امریکا شناخت. کارمندان و مامورین فیدرال همواره مصروف فعالیت‌های پوشیده و مرموز میباشند سوال در اینجا است که این کارمندان چرا به همچو اجراءات خاص و پوشیده دست می زنند جواب ساده و اینچنین است که آنها قبلاً طرح یک پروژه را می ریزند، آنرا همه جانبه قبل از بکار برد تحلیل و تجزیه مینمایند و بعداً در عمل پیاده میکنند روی این منظور اکثریت فعالیت‌های آنها سری و مرموز میباشد.

تیم مخفی مطمئناً هرگز در خدمت مردم نبوده گرچه آنها ادعا مینمایند که مایان تیم دفاع از امنیت ملی هستیم و در مقابل دشمنان همچو دژ استوار ایستاده ایم و به آنها نبرد میکنیم ولی روی هم رفته حد اقل در قرن گذشته اعضای این تیم مخفی تعهد سپردند که آنها من بعد از ریس جمهور اطاعت می کنند حتا سخنگوی محافظه کار افراطی این گروه آقای جیورج ویل (Georg Will) بروزیکشنه در (talk show) و در حضور داشت عامه از اطاعت اش من بعد به ریس جمهور سخن بمیان آورد. قابل تذکر است که امریکا همواره توسط ارستوکراسی و ارستوکراسان بیدون آنکه دموکراسی را رعایت نموده باشند اداره و کنترل گردیده است، و تنها نخبگان مالی و ارستوکراس ها اند که در هر زمان و مکان آنچه روا داشته اند بالای قاطبه مردم امریکا حکومت نموده اند و یا مردم را در تحت سلطه خود داشته اند. درین مورد طوریکه محترم توام چامسکی ایبر (Noam Chomsky aver) میگوید: اینجا در امریکا تنها یک حزب سیاسی وجود دارد، حزب شرکا و شرکت ها با دوبال و یا شاخه ای جداگانه.

البته سران این دولت مخفی بیدون توجه به تاریخ گذشته خود را عاری از خطا و کاملاً آگاه و روشن میدانند آنها مشعر و یا به این باور اند که بحران کنونی نتیجه تشویق سازمان سیاه مبنی بر تشویق و ترغیب افراط گرایی اسلامی در

دوران جنگ سرد میباید و آن بدین هدف که این نیرو قادر خواهد شد تا سد راه کمونیسم و مانع انکشاف ناسونیالیزم عرب و مسلمانان از دستیابی به استقلال از کنترل غرب بخصوص بر سر نفت خواهد گردید. سازمان سیاه در واقع حیات الله خمینی را در ایران حمایت و تقویه کرد تا از نظر استراتژیک مانع فعالیت‌های کمونیست‌های ایران گردد این سازمان همچنان اخوان المسلمین مصر را بر ضد ناسونیالیزم عرب و ناصریزم مجاهدین افغانی بعداً طالبان و القاعده را در افغانستان بر ضد اندیشه‌های دموکراتیک و حزب وطن همه جانبه حمایت و تقویه نمود آن چنانیکه سیاه خود معترف است و آن اینکه :

زایش و تولد ملیشه‌های اسلامی، تقویه و حمایت و تغذی آنها طبق پلان قبلاً طرح شده بدست فدرال ایالات متحده امریکا بود و این گروه را بنام " گروه مقاومت " ایجاد، تقویه و حمایت کرد چنانچه مشاور امنیت ملی اداره جیمی کارتر ریس جمهور اسبق امریکا و مشاور مستمر آقای اوباما زیگانی برژنسکی (Zbigniew Brzezinski) هنگامیکه در سال (1988) مجاهدین افغانستان را دولت امریکا مسلح میسازد هدف آن بود تا نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان در دام این گروه‌های مسلح درگیر شوند او یعنی برژنسکی در مورد چنین اعلام نمود: عملیات‌های مخفی و مرموز ایده عالی و سترگ بشمار میرود و تاثیر این عملیات‌ها چنان خواهد شد که روسها را در دام افغانها خواهد افگند؟ ولی شما از من میخواهید که من ازین طرح خویش پیشمان شوم؟ ... من به ریس جمهور کارتر نوشتم: ما در حال حاضر فرصت دادن مدت طولانی همچو جنگ ویتنام را برای اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان مهیا ساخته ایم آنچنان جنگی که برای تاریخ جهان با اهمیت تلقی میشود؟ طالبان یا زوال امپراتوری شوروی؟ قدری هم تحریک و خیزش مسلمانان یا آزادی اروپای مرکزی و ختم جنگ سرد؟

واقعاً هم خیزش و تحریک مسلمانان: ریس جمهور اوباما

در هنگام کمپاین انتخاباتی خویش اشکاراً گفت: من به جهانیان موضوع افغانستان را در صورت انتخابم به حیث ریس جمهور ایالات متحده امریکا این چنین فوکس می نمایم و آن اینکه تلاش خواهم نمود تا از بازگشت طالبان و القاعده به افغانستان جلوگیری بعمل آورم و با در نظر داشت این اقدام امنیت

ملی ایالات متحده امریکا را هرچه گسترده تر تامین خواهیم کرد و بشما تعهد می سپارم که رویداد 9/11 دیگر تکرار نخواهد شد، ما اکنون در حال حاضر واقف شدیم که قبل از رویداد 11/9 بین طالبان و القاعده شکاف وسیعی به نسبت ترس از اقدام تلافی جویانه ایالات متحده امریکا بوجود آمده بود و این را نیز میدانیم که طالبان خود ابراه و قصد هجوم و حمله را بالای امریکا ندارند تنها بالای آن امریکا بیها ممکن حمله نمایند که در خاک افغانستان همین اکنون مستقر اند. اقدامات کنونی ایالات متحده امریکا در منطقه ممکن است باعث بی ثباتی پاکستان شود و بخصوص بخطر افتیدن امنیت سلاحهای هستوی پاکستان که برای ایالات متحده امریکا قابل تشویش و نگرانی میباشد با در نظر داشت این موضوع چه خوب خواهد شد تا روشن گردد که امریکا در افغانستان به دنبال چه هدف و امری میباشد؟ مضحکتر اینکه همین اکنون با وجود ادعای انساندوستی و احترام به حقوق بشر طیارات بی سرنشین و پیلوت ایالات متحده امریکا در افغانستان و پاکستان جان صدها انسان بی گناه ملکی را همه روزه میگیرد آنچه که طالبان را سرزنش مینمایند ولی این امریکا است که خود آگاه و یا ناخود آگاه به عوض اینکه طالبان مرتکب جنایات ضد بشر در منطقه شوند امریکایی ها مرتکب این جنایات میگردند.

اگر به محتوی کتاب اخیر باب اودوارد (Bob Woodward's) به ارتباط جنگ او باما باور و اعتقاد در میان باشد چنین میتوان اذعان کرد که رییس جمهور او باما خواستار به عقب نشینی از افغانستان است ولی هر بار که او درین مورد تصمیم میگیرد تصامیم او از طرف نیروهای نظامی و سازمان سیاه و حتی هیلری کلنتون خنثی و نقش بر آب میشود، من بدین باورم که آقای او باما بواسطه شرکت های بزرگ مالی متقاعد گردانیده میشود که باید در پی برآورده شدن ارزومندی این شرکتها مبنی به دسترسی ایالات متحده امریکا به منابع انرژی در آسیا مرکزی باشد ولی مساله ازین قرار است که ایالات امریکا به این هدف خود خواهد رسید در اینجا گزینه ای که به نظر میرسد نیل به این هدف منوط به جانبازی نیروهای نظامی است ولی چشم انداز آن خالی از خطر نخواهد بود.

هنگامیکه قشون سرخ اتحاد جماهیر شوروی وخت در اوایل سال (1990) بالاخره افغانستان را ترک مینمودند این محل تراژیک را به کام جنگ های

شدید داخلی وا گذاشتند و ایالات متحده آمریکا دستهای الوده بخون اش را شستشو نمود و افغانستان را بحال خودش رها کرد و از آن دوری نمود ، امریکا حتی در زمان تسلط طالبان ، طالبانیکه مرتکب جنایات هولناک اعم از سربریدن اشخاص و افراد ، سنگ سار نمودن زنان ویا از هیچ نوع وحشت و جنایت و خشونت دریغ نه ورزیدند ولی با آنها ایالات متحده امریکا به افغانستان در ماتم نشسته هیچ توجه نکرد تنها کمپنی انرون و یونیکال بخاطر احداث و تمديد پایپ لین نفت و لوله گاز که از ترکمنستان به کابل و پاکستان و از آنجا باید به بحر هند صورت میگرفت با جانب طالبان داخل مذاکره گردید فلذا اگر احياناً طالبان بار دوم بالای تمام قلمرو افغانستان مسلط گردند و شرایط احداث این پایپ لین را مساعد و آنرا کاملاً تضمین نمایند من کاملاً معتقدم که ایالات متحده امریکا از تمام اعمال و جنایات طالبان چشم پوشی خواهد کرد و به خاطر اسوده بیدون احساس شرم و ننگ با طالبان دست دوستی اش را دراز خواهد کرد همانطوریکه در سال (1990) با انها تعهد دوستی را بسته بود .

ولی با در نظر داشت این موضوع که نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان با مداخله شان چه صدمات و خسارات و ویرانی ها را بار آورده اند ممکن نخواهد بود که با طالبان از در زور موفق به معامله گردند و احتمال بیشتر ان متصور است که به توافق همه جانبه نرسند و یا اینکه امریکا هرگز نخواهد توانست دست نشانده اش را بالای آنها تحمیل نماید و یا اینکه قادر نخواهد شد که از هدف اصلی خود به جانب مقابل تضمین و یا ضمانت دهد.

موضوع و مسله ای به اصطلاح واقعی اینست که کشورهای "پیشرفته" کنونی همچو چین و هندوستان و ببرهای آسیای که امروز بیشتر سود می برند همانا دسترسی شان در مارکیت به نفت ارزان است ، اما زمانیکه استخراج نفت در آینده های نه چندان دور مشکل و از نظر صرف هزینه گرانتر تمام شود در آنصورت پروفاشی سراسری به ارتباط بلندرفتن ارزش نفت در جهان و بخصوص افسرده گی و تشویش واقعی را در ایالات متحده بار خواهد آورد یعنی که تجارت نفت به دالر گرانتر خواهد شد چونکه قیمت و ارزش دالر اکنون بطور پیوسته در حال نزول است ، پس میتوان پیشگوی کرد که دالر بعنوان ارز جهانی به سقوط مواجه خواهد شد و در نتیجه تورم گسترده در جهان

حکمرما خواهد شد و این خود منجر به کمبود برخی مواد حیاتی و ضروری در سیاره ما خواهد گردید .

درین صورت با بالا رفتن قیمت نفت و کمبود مواد ضروری و حیاتی درد ورنج گسترده را بشکل بومی و اندیمیک آن بوجود خواهد آورد ؛ مگر اینکه اگر کدام منبع دیگر جاگزین انرژی قادر به حفظ راه زنده گی ما شود ، اما این یک توقع بیجا و ارمانی و بیشتر بعید به نظر می آید، شاید که ذغال سنگ و گاز بتواند تا یک زمانی باعث جبران انرژی شود ، اما زنده گی لوکس و پرتجمل و بی فایده امروزی ما که به نفت و به انرژی حاصله آن ارتباط دارد همه و همه یک زنده گی پرتجمل و بی بند و بار و دورنیند پشانه ای است، و آن اینکه ما خود با در نظر داشت درک ضرورت صنایع ، صنایع خویش را با در نظر نگرفتن شرایط بهتر کار مواجهه به شکست میسازیم و هر روز به گروه بیکاران نسبت زمستانها سرد بیدون گرما در داخل ساختمانها و تابستانهای بیدون تهویه می افزایم آنچه که ما مردمان را در جهان "عقب مانده " فاقه و گرسنه می پنداریم امروز در مارکیتهای خودمان مواد هیدروکاربن و کود و مواد حشره کش زراعتی در دسترس نیست یعنی که نه تنها مارکیت های ما از مواد فاقه و گرسنه است بلکه دارد که مردم ما نیز در آینده های نه چندان دور به گرسنگی و فاقگی مصاب شوند . درمان و تداوی شگفت انگیز و معجزه بار مانند بدیل های همچو بیوسوخت و هیدروژن جز افکار واهی و پوچ چیزی دیگری نمیتوان بود ، انرژی هسته ای میتواند شبکه های الکتریکی را حفظ و نگهداری کند ولی بحران های اخیر هسته ای در ژاپن ممکن این امیدواری را غیر قابل عبور مبنی بر ادامه حمایت اوپاما برای یک رنسانس هسته ای بسازد و ازجانبی تکنالوژی سبز و یافن اوریهای سبز برای پر کردن خلاء پیش آمده در وقت و زمان معین بخاطر جلوگیری از سقوط و بحران اقتصادی و سیاسی دومینو(نوعی از بازیست که بوسیله ای قطعه های مستطیلی کوچک انجام میشود ، یک دست دومینو معمولاً از "28" دومینوی مستطیلی تشکیل شده که هر کدام شامل دو مربع کنار هم هستند، روی هر مربع شماره های 1، 2، 3 ، 4 ، 5 یا 6 نقطه وجود دارد ، برنده ای بازی کسی است که قطعه های مستطیلی اش را زود از دست بدهد ... از مترجم) حتی تا همین اکنون بعید به نظر می آید .

سیاست انرژی واقعی دولت ایالات متحده امریکا تا همین اکنون سیاست حمایتی از شرکتهای انرژی به بهره‌برداری از نفت است که بطور معمول پیش‌بینی از شرکتهای مذکور بخاطر کنترل بر مخازن و یا دسترسی این شرکتهای به منابع انرژی است کنگره خود خلق شده و یا مخلوق هیئت‌های نفتی و دیگر شرکتهای بزرگ و سرمایه‌داران است یعنی این سرمایه‌داران بزرگ امریکا اند که با داشتن تسلط بر منابع هایدروکاربن و انرژی کنگره امریکا را بوجود آورده اند یعنی کنگره در خدمت این شرکتهای بزرگ قرار دارد. این شرکتهای واحد زیادی در صدد حفظ و نگهداری سود و نفع خویش اند ولی هیچ برنامه‌ای مقدماتی برای آن روزها ندارند که بصورت تصادفی اگر همه منابع نفت و انرژی به اواخر رسد یعنی دیگر در منابع مذکور نفت وجود نداشته باشد و یا به عبارت دیگر سن نفت (the age of oil ends) به پایان خود برسد. قابل تذکر است که درین وخت دوباره گاز طبیعی و ذغال سنگ میتواند به حیث بدیل انرژی نفت در خدمت مردمان و ایامت‌های غنی در یک ستاندارد پایین از زنده‌گی قرار گیرد ولی این رویداد منجر به تحولات گسترده‌ای اجتماعی میگردد که این خود تنش بین المللی را بوجود می‌آورد... و در اینجا هیچ ذکری از تشدید گرمایش جهان در میان نیست.

سیاست خارجی ایالات متحده امریکا درین روزها داشتن صلاحیت از کنترل زیاد از کاهش منابع انرژی است و میخواهد که به همچو ستراتیژی حفظ و نگهداری از منابع انرژی نایل آید و با همین دلیل رهنمودها و دساتیریکه به نظامیان اش در مورد داده است به درجه اول مستقر و پابرجا است و آن اینکه توجه باید داشت که رهنمودهای نظامی جدید توأم با احساس مسولیت به ارتباط افریقا در نظر گرفته شده است یعنی فرصتی برای ایجاد پایگاه‌های نظامی برای افریکم (AFRICOM) است که یکی از علت اصلی آن بشمار میرود و آن اینکه حضور فعلی امریکا در لیبی به همین دلیل میباشد، توجه باید داشت که حمله اخیر امریکا و حضور مشاورین امریکایی در اوگاندا و سودان و نایجیریا یک برسوم از نیازهای امریکا راز نظر دسترسی به انرژی در انگولا و دیگر کشورهای کوچک افریقایی که در آنجا مخازن نفت و انرژی موجود است تامین مینماید و هدف امریکا نیز داشتن دسترسی و کنترل بر این منابع میباشد، بدیهی است که تلاش ما امریکایی‌ها برای بدست آوردن سهم شیر

از نفت شرق میانه و بویژه از نفت و گاز طبعی در مناطق دریای خزر (کسپین) و آسیای مرکزی میباشد که باهمچو تلاش آنچه که در انتظار آن میباشیم انتظار ما چیزی را به ارمغان خواهد آورد و از جانبی باید اذعان کرد که در صورت نیل به این هدف ممکن است با کشورهاییکه در عقب حیاط و یا حویلی در کمین ما اند با انهدرگیرهای جدیدی خواهیم داشت یعنی باچین و روسیه و هندوپاکستان ، تصور ما از بروز واکنش ها اینطور است : که احياناً اگر چین به مکسیکو یعنی به کشوریکه به درجه دوم نیازمند یهای داخلی ما را از نظر نفت تامین مینماید در حدود (150000) سرباز اعزام نمایدویا هم به ونزوئلا ، در انصورت برای ما مشکلاتی ببار خواهد آمد و آن اینکه این کشورها باهمچو مداخله توجه ما امریکایان را بطرفی مبذول خواهند داشت و بر منابع نفت و انرژی خودشان مسلط خواهند شد و آنرا تحت کنترل خود خواهند درآورد .؟

القاعده یک "تهدید وجودی" را برای ایالات متحده امریکا تشکیل نمیدهد و از جانبی تهدید های واقعی تروریستی را در معامله و درگیری با پولیس در دهه گذشته ملاحظه نمودیم یعنی که در واشنگتن به مضمون همچو معاملات و درگیریها اشنایی حاصل نمودیم اما نه در بین مردم عامه و آن اینکه طالبان و انمود ساختند که القاعده نیت حمله را از افغانستان به ایالات متحده امریکا قبل از رویداد 9/11 را نداشت و از جانبی طالبان افغانی نیز در صدد کددام حمله و تهدید به ایالات متحده امریکا نبودند و هیچوقت درین مورد چیزی به زبان نیاورده اند اما زمانیکه امریکایی ها مسلمانان را در کشور های اسلامی به قتل رساندند این خود زمینه بروز تروریستها را مساعد ساخت و به سازمان القاعده خوداگاه و یا نا خود اگاه کمک و معاونت نمود مثلاً حمله بر پاکستان خود زمینه را برای عرض اندام و تکوین گروه طالبان پاکستانی مساعد ساخت تا این گروه دست به تشکیلات زنند و برخ ایالات متحده امریکا دست به تفنگ برند، و این جناح تولد یافته دشمن و ضد امریکایی در بدل تهاجم امریکا به پاکستان در صد د انتقام جویی بوده هر چند که از نظر توان و قدرت جنگی محدودیت های چندی دارند و از جانبی این طالبان پاکستانی در ضرب و شتم با نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا ممکن است پاکستان بی ثبات گردد ولی در عوض هر چه سریعتر ممکن است بنیاد گرایی در پاکستان گسترش یابد که خطرات جدی را در پی خواهد داشت خصوصاً با این توجه که پاکستان دارای سلاحهای هستوی

نیز میباشد .

در ضمن باید خاطر نشان ساخت که مردم عامه ما ازین وضع و از این جنگ وجدال چنان وحشت زده شده اند و آن اینکه چسان خواهند توانست درکشور شان ثبات را تامین و بار قروض این جنگ چهار تریلیون دالری (انطوریکه جوزف ستگلیتس اقتصاد دان و برنده جایزه نوبل و هاروردری و فیسور لندا بیلمس هزینه این جنگ را تخمین زده اند) را بپردازند اطفال و نواسه های ما در صورت صحتمندی و معاشات بلند و با داشتن تحصیلات عالی خوشبخت خواهند بود تا این قرض و دین طاقت فرسا را بپردازند و درکشور خود با سربلندی و آزاد منشی امرار حیات نمایند و درعین حال قابل تذکر است که عناصر مختلف تیم مخفی بشکل مستمر در ایجاد ترس و بیم عامه تلاش می و رزند مبنی بر اینکه چه کسانی خواهد بود تا این قرض و وام و بدهی ملی را با سود و ربح گنج کنند و سرسام اور آن خواهد پرداخت ولی انها درعین حال این احساس را نیز دارند که این بدهی ملی را آنانی پرداخته اند که جانهای شریین خود را از دست دادند و یا آنهایکه به نسبت پرداخت مالیات طاقت فرسا و رشکست شدند و یا آنهایکه به نسبت بیکاری ملکیت های شخصی خود را از دست دادند و نتوانستند قروض بانک ها را بپردازند و از آنها سلب حق اقامه دعوی شده و از کارها برکنار گردیند. جنگ های مستمر و دوامدار فعلی باعث عدم رسیده گی به اهداف قبلاً مطروحه خواهد گردید ، انطوریکه این مدعیان آزادی و دموکراسی درین مورد جعل نموده اند و از هیچ جنایات شان علیه مردمان منطقه دریغ نورزیده اند و مکرراً بخاطر تامین منافع امریکا و شرکتهای مالی ایالات متحده امریکا مرتکب جنایات و جرایم گردیده اند و در درجه دوم از هیچ دسیسه و توطئه در قبال ما شهروندان این امپراتوری در حال زوال آرام نه نشسته اند و در راه حفظ رو به سقوط زنده گی این امپراتوری هر آنچه لازم دانسته اند به جعل و دروغ پرداخته اند. اینهمان گامهای گدایی از همسایگان کهن ما بخاطر بدست آوردن سود و نفع است که توقع سود را از آنها داریم این سود و نفع نه در افغانستان و نه در عراق است اما آنچه که ایالات متحده امریکا در سر می پروراند دستیابی به کنترل کاهش ذخایر انرژی میباشد که روی همین دلیل اکنون در پی کنترل ویتنام نمی باشد و از جانبی این جنگ مستمر و طولانی آغاز شده را در ظاهر برای مردم خود و به مخالفین خود به نام دفاع از مردم و " آزادی " و تامین امنیت

ملی اشاعه و تبلیغ مینماید. و به همین دلیل تلاش می‌ورزد تا تشنج را در بین مسلمانان و دیگر ملیت‌ها هرچه گسترده‌تر سازد و آنهم صرف بخاطر دسترسی‌اش به کسب بیشتر انرژی.

گرمای جهان و یا به عباره دیگر گرم شدن آب و هوای این سیاره از یک راه و طریق صورت نمی‌گیرد بلکه بواسطه راهای متعدد و مختلف صورت می‌گیرد شرایط وقوع جنگ در حال حاضر کاملاً مساعد است، و ما نباید از آن اغماز نمایم، و باید خاطر نشان سازیم که همچو بازی در آخرین مقیاس در حال و احوال کنونی بازی کردن با اسباب بازی است که همچو بازی در واقعیت از قبل آغاز گردیده است.

ریس جمهور او باما طی صحبت‌اش چنین گفته است که او یک " خاورمیانه‌ای عاری از سلاح‌های هسته‌ای را خواهان است " آنطوریکه جهان خواهان خلع سلاح هسته‌ای اسرائیل می‌باشد، تا هنوز او باما توأم با ادعا و ارزومندی‌اش از همه پیشینان خود در سبقت می‌باشد چنانچه او اذعان نمود که اسرائیل سلاحهای کشتار جمعی نیز دارد، اکنون او باما موضوع را اینچنین پیشکش می‌نماید و آن اینطور: در صورتیکه ایران می‌خواهد تا سلاح‌های هسته‌ای داشته باشد پس از داشتن سلاح‌های هسته‌ای اسرائیل چه ترس و بیم باید وجود داشته باشد؟ آنطوریکه امریکا در خلیج فارس، روسیه در شمال و پاکستان در شرق نیز همچو سلاح‌ها را در دسترس دارند، جهانی که بعضی از کشورها از داشتن همچو سلاح‌های مخوف‌شان دیگرها را به لرزه درمی‌آورند حفاظت همچو سلاح‌ها بخود این کشورها نیز تشویش‌آور و خالی از ترس و بیم نیست.

طوریکه تشنج بین المللی به ارتباط کاهش کنترل بر منابع انرژی بیشتر گردد درین صورت تخت و تاز به ارتباط تغییرات جویی نیز صورت خواهد گرفت و بدین بنیاد واکنش‌های ذهنی به مقابل تحركات جزئی نیز بوجود خواهد آمد، انچنانیکه هیروشیما دست‌نوشته بروی دیوار بود ولی سرانجام چه رویداد دلخراش را به دنبال داشت فلذا قابل تذکر است که با افزایش این سلاح‌های شیطانی و جهنمی دیر یا زود آتش جنگ در سیاره ما شعله‌ور خواهد شد و دست‌اوردها انسان طعمه آتش و نابودی خواهد شد.

پس تا زمانیکه مردم امریکا از روی مجبوریت این سیاست‌ها را به سمت سلامت عقلی رهبری نکنند و به تحقق آن شعارها یکه از مدتهای طولانی

آنرا استخراج و سرداده اند و در عقب آن صف آرای می نموده اند با همه تفکر و عقل سلیم و اندیشه و انساندوستانه خویشتن را تمرکز ندهند مشکل خواهد بود که وضع موجود پرمخاطره را تغییر دهند .

بارانی فرانک (Barney Frank) عضو کنگره چنی اظهار داشت که بحران اقتصادی کنونی به ساده گی و سهل میتواند با کاهش تعداد و شمار مأموریت های نظامی موجود حل و فصل گردد و ایالات متحده امریکا در آن صورت این توانایی و قدرت را خواهد داشت که با یک دهم از بودجه نظامی فعلی از خود در برابر هر نوع تهدید و تجاوز دفاع همه جانبه نماید و یا اینکه هر نوع تهدید را از سر راه اش بدور اندازد ، آنچه که در اینجا قابل تذکر است اینست که تهدید واقعی از جانب نخبگان مالی آنهاست بر منابع انرژی و بازار تسلط عام و تام دارند اعمال میشود ، و هر زمانیکه به تسلط این نخبگان مالی نقطه پایانی گذاشته شود و منابع مذکور از تسلط آنها رها شود مسلماً بحران اقتصادی موجود بهبود قابل توجه خواهد یافت اما فقط برای یک مدت زمان معین مگر با آنها موضوع انرژی در آینده ها بویژه تخلیه مواد فاضله و تاثیرات حاصل از تخلیه هیدروکاربن ها و آزاد شدن آنها در اتموسفر به حیث موضوع قابل منازعه بین نیروهای درگیر باقی خواهد ماند که به احتمال زیاد باعث گسترش خشونت و منازعه خواهد گردید .

تمام اقدامات دولت ایالات متحده امریکا و مردم ما چنین به نظر میرسد که قصد به ادامه روش زنده گی فعلی دارند بیدون آنکه توجه به عواقب ناگوار همچو زنده گی داشته باشند زنده گی که ذاتاً ناپایدار ، بی بند و بار و بی حاصل چیزی دیگری نخواهد بود، و از جانبی تا آنکه ما خود توانیستم به تخریب اقلیم و آب و هوای خانه مشترک خود پرداختیم مثل سرازیر شدن سیلاب های اخیر در پاکستان ، آتش سوزی جنگلات بطور گسترده در روسیه ، توفان کاترینا ، کمبود آب و هشدارهای بیابان زایی همه و همه را بدست خود رهبری کردیم تا خانه مشترک ما به مخاطره بیافتد بدتر از آن اینکه ما خود جامعه خود را به تشتت و پراگندگی و بی ثباتی اجتماعی- سیاسی و به بحرانات اقتصادی روبرو ساختیم و به خشونت های گسترده نظامی تا جای دامن زدیم که اکنون مصونیت خانه مشترک ما در خطر است .

سیاست های ما در آینده در محراق برنامه های نگهداری و حفاظت از سقوط

انرژی خواهد بود حتی اگر میانگین این محدوده‌های سفت و سخت توسط قانون به ارتباط مواد سوخت و سایر نقلیه کوچکتر و کارآمدتر و دستگاه‌های حرارت و محدودیت در هوا و ظروف پلاستیکی و غیره نیز تحمیل شده باشد. پس از هردو یعنی از سوخت انرژی هسته‌ای و صنایع ذغال سنگ مواد فضله داخل اتموسفر گردیده باعث صعود و سرایشی فشار هوامی‌گردد بخصوص از هنگامیکه این آگاهی بوجود آمده که گاز طبیعی چونکه همین اکنون از سوخت آن بیشتر برق تولید میشود و مواد فضله آن نیز در هوا تخلیه میشود پس در اینجا ضرورت آن دیده میشود که مردم را در مورد آگاهی و آموزش داد و آنها را از اضرار همچو مواد آزاد شده در هوا مطلع ساخت و این را نیز باید در نظر داشت که بیدون داشتن برق و یا عدم دسترسی به برق در انتظار چه پیامدی خواهیم بود در عین وخت ضرورت اشدی که در منهن همین اکنون داریم آن عبارت از پروژه (کوبید Cubed) است که میتواند این یک پروژه بدیل انرژی لازم باشد به یاد اوری است که ما در پیشاپیش این همه خواسته‌ها همین اکنون باید با صدا های بلند و بلند تر در پی خواست همکاری‌های بین المللی شویم بخصوص در حفاظت از محیط زیست، همکاری متقابل به ارتباط پژوهش و تحقیق در رابطه به استحصال منابع انرژی و برق جاگزین، توافقات و معاهدات به ارتباط خلع سلاح و توافق نامه‌ها بغرض جلوگیری از درگیری بر کاهش منابع جاگزین و جلوگیری از وقوع جنگ سوم جهانی ولی متاسفانه همین اکنون ما تنها یک برنامه و پلان (A) داریم یعنی برنامه مداخله نظامی.

بدیل و جاگزینی همچو دولت و حکومت زمانی متصور خواهد بود تنها زمانی که مردم از خواب غفلت مبنی بر وقوع این طوفان فاجعه باریبار شوند قابل تذکر است که ما نمیتوانیم در وابستگی به رسانه‌ها آموزش ببینیم و یا به عباره دیگر این رسانه‌ها که با مشتریان و زورمندان در وابستگی اند توان انرا ندارند که ما را آموزش دهند و یا برای ما خبر خوش داشته باشند بلکه آنها به طور دوامدار در پی اشاعه اخبار بد بوده و مردم را از بازار و اسهام مهرشده به وحشت می اندازند پس در اینصورت ما باید حرف خود را دریابیم و آنرا در ذهن خود روشن سازیم و آن اینکه ما نباید من بعد طور معمول بر بیسنذس مینها، کنگره و یا ریاست جمهوری بیشتر اعتماد نمایم و به آنها همکاری هم

جانبه نمایم ، گرچه این خود مثل سال (1960) و طور حقیقی در سال (1930) خود با این کشور بیشترستیزه جویی تلقی میشود ولی متأسفانه من از آن ترس وبیم دارم که قبل از آگاه شدن و از خواب غفلت بیدار شدن به بحران عمیق و مملو از خطر مواجهه نشویم .

باتقدیم درود های خالصانه